



Treasury and Its Connection with the Political System in the Islamic History

Mahdi Fadaei Mehrabani¹ Saeed Jahangiri²

1. Associate professor of political sciences, Tehran University, Tehran, Iran.

Email: fadaeimehrabani@ut.ac.ir

2. Ph. D in political sciences, Tehran University, Tehran, Iran.

Email: saeedjahangiri@yahoo.com

Abstract:

Treasury and its related resources have always been considered as one of the most controversial economic-political issues in the Islamic history. The assets of the Treasury have even led to the widespread political conflicts in several cases. In the historical background of Muslims, the institution of collecting and distributing tribute, booty, and resources from the fi' and anfal wars has been similar to the national treasury in the contemporary era. The public treasury is an economic issue in itself; but due to its role in creating civil adjustment and balance through the political economy and economic policy, it is also considered an issue related to the political thought. The main question of this article is what kind of relationship the institution of the Treasury had with the old and new political systems throughout the Islamic history. The findings of research indicate that the old and new models of political systems differ in three domains of the public treasury and its custody, the plurality and unity of the treasury institution as well as the sources of treasury.

Keywords: Treasury, economic system, political justice, division, public property.

Article Info:

Article type: Research Article

Article history: Received March, 26, 2020

Received in revised form July, 20, 2020

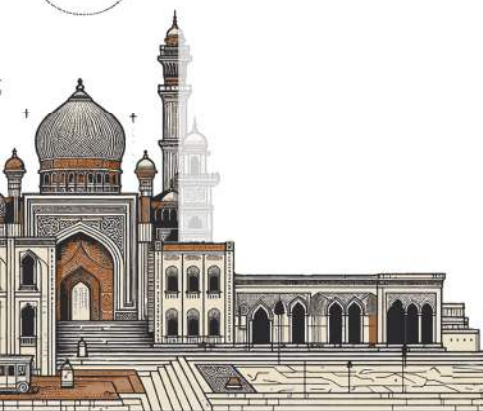
Accepted August, 12, 2020

Published online December, 21, 2024

Cite this article:

Fadaei Mehrabani, M., Jahangiri, S. (2024). Treasury and Its Connection with the Political System in the Islamic History. *History of Islam*, 25(4), 69-98. <https://doi.org/10.22081/hiq.2020.57218.2019>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Bagher Al-Olum
University



ISSN
2783-414X

Publisher: Bagher Al-Olum University. © The Author(s).



بيت المال وارتباطه بالنظام السياسي في تاريخ الإسلام

مهدي فدائي مهرباني^١ سعيد جهانغيري^٢

١. أستاذ مشارك، قسم العلوم السياسي، جامعة طهران، طهران، إيران. البريد الإلكتروني: fadaeimehrabani@ut.ac.ir
٢. دكتوراه في العلوم السياسية، القضايا الإيرانية، كلية الحقوق واللاهوت والعلوم السياسية، وحدة العلوم والبحوث، جامعة آزاد الإسلامية، طهران، طهران، إيران. البريد الإلكتروني: saeedjahangiri61@yahoo.com

الملخص:

لقد كان بيت المال والمصادر المرتبطة به، واحداً من أكثر القضايا الاقتصادية والسياسية إثارة للجدل في تاريخ الإسلام دائماً. وقد أدت ممتلكات بيت المال، حتى في عدة حالات، إلى صراعات سياسية واسعة النطاق. وفي الخلفية التاريخية للمسلمين، كانت مؤسسة جمع وتوزيع الجزية، والغنائم، والموارد الناتجة عن الفبيء، والأثقال تشبه مؤسسة مثل الخزانة الوطنية في العصر المعاصر. فبيت المال في حد ذاته قضية اقتصادية؛ ولكن نظراً لدوره في خلق التكيف والتوازن المدني، من خلال الاقتصاد السياسي والسياسة الاقتصادية، فإنها تعتبر أيضاً قضية تتعلق بالفكر السياسي. والسؤال الرئيسي في هذا المقال هو أنه من الناحية التاريخية، ما هي العلاقة بين مؤسسة بيت المال والنظام السياسي القديم والجديد عبر تاريخ الإسلام؟ وتشير نتائج البحث إلى أن النموذجين القديم والجديد للأنظمة السياسية بينهما اختلافات في مجال بيت المال في ثلاث حالات: إدارة بيت المال، وتعدد أو وحدة مؤسسة بيت المال، وموارد بيت المال.

الكلمات المفتاحية: بيت المال، النظام الاقتصادي، العدالة السياسية، المقاسمة، الممتلكات العامة.

معلومات المقالة:

نوع المقالة: بحثية

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٠/٠٣/٢٦ | تاريخ المراجعة: ٢٠٢٠/٠٧/٢٠ | تاريخ القبول: ٢٠٢٠/٠٨/١٢ | تاريخ النشر: ٢٠٢٤/١٢/٢١

استناداً إلى هذه المقالة:

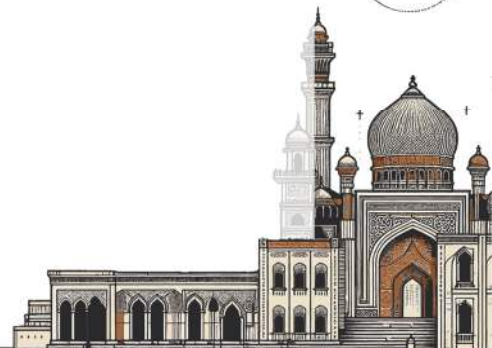
فدائي مهرباني، مهدي؛ جهانغيري، سعيد (٢٠٢٤). بيت المال وارتباطه بالنظام السياسي في تاريخ الإسلام. تاريخ الإسلام. ٢٥(٤). ٦٩-٩٨.
<https://doi.org/10.22081/hiq.2020.57218.2019>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



ISSN إلكتروني
 ٢٧٨٣-٤١٤٧

الناشر: جامعة باقر العلوم والإسلام © المؤلفون.





مهدی فدایی مهربانی^۱ سعید جهانگیری^۲

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: fadaeimehrabani@ut.ac.ir

۲. دکترای علوم سیاسی، مسائل ایران، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: saeedjahangiri61@yahoo.com

چکیده:

بیت المال و منابع مربوط به آن، همواره یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات اقتصادی - سیاسی در تاریخ اسلام بوده است. دارایی‌های بیت المال، حتی در موارد متعددی، به درگیری‌های سیاسی گسترده منجر شده است. در پیشینه تاریخی مسلمانان، نهاد تجمع و توزیع خراج، غنایم و منابع ناشی از فیه و انفال، نهادی همانند خزانه ملی در دوران معاصر بوده است. بیت المال فی نفسه، مسئله‌ای اقتصادی است؛ اما به دلیل نقش آن در ایجاد تعدیل و تعادل مدنی، از طریق اقتصاد سیاسی و سیاست اقتصادی، مسئله‌ای مرتبط با اندیشه سیاسی نیز به شمار می‌رود. پرسش اصلی این مقاله، آن است که در نگاهی تاریخی، نهاد بیت المال در طول تاریخ اسلام چه ارتباطی با نظام سیاسی قدیم و جدید داشته است؟ یافته‌های پژوهش، حکایتگر آن است که الگوی قدیم و جدید نظام‌های سیاسی، در زمینه بیت المال در سه مورد اختلاف دارند: تولیت بیت المال، تکرر یا وحدت نهاد بیت المال و منابع بیت المال.

واژه‌های کلیدی: بیت المال، نظام اقتصادی، عدالت سیاسی، مقاسمه، اموال عمومی.

اطلاعات مقاله:

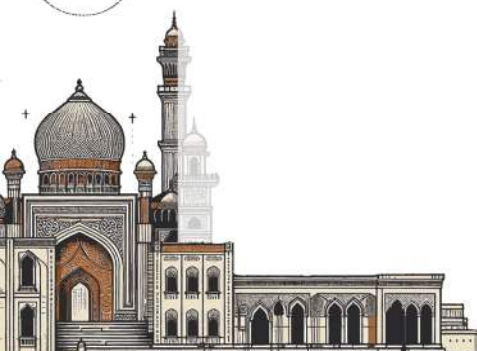
نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۷ | تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۴/۳۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۲ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

استناد:

فدایی مهربانی، مهدی؛ جهانگیری، سعید (۱۴۰۳). بیت المال و پیوند آن با نظام سیاسی در تاریخ اسلام. تاریخ اسلام، ۲۵ (۴)، ۶۹-۹۸. <https://doi.org/10.22081/hiq.2020.57218.2019>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شاپا الکترونیکی
۲۷۸۳-۴۱۴۷

نویسندگان. © ناشر: دانشگاه باقر العلوم



مقدمه و بیان مسئله

در جامعه اسلامی، نهاد «بیت‌المال» برای مسلمانان، از شأنی اعتقادی برخوردار است و از همین روی، مفهوم بیت‌المال، با مفاهیمی چون «اموال عمومی» در جوامع غیراسلامی، متمایز است. «بیت‌المال» در فلسفه سیاسی، موضوعیتی تبعی و باواسطه دارد و با وساطت مفاهیمی مرتبط با آن، چون: «عدالت اقتصادی»، «اقتدار سیاسی» و «عدالت سیاسی»، در فلسفه سیاسی قابل ملاحظه است؛ به عبارت دیگر، بیت‌المال و تجمع و توزیع منابع آن، در فرایند تجمع و توزیع قدرت سیاسی قابل طرح است.

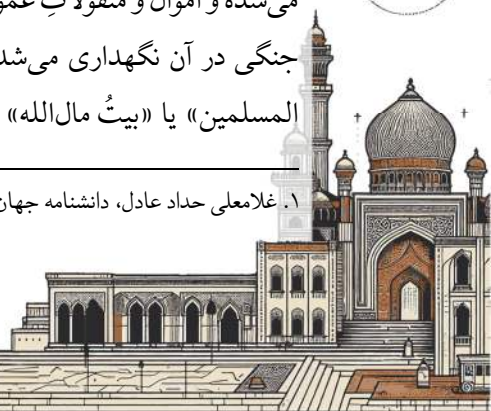
تفاوت نهاد بیت‌المال در صدر اسلام با دوران معاصر، از دیگر مسائل مهم است. رویکردهای متفاوت در تقسیم، توزیع یا مصرف بیت‌المال، نشان از رویکردهای متفاوت فقهی دارد و از این جهت، بیت‌المال خود به عرصه‌ای برای حضور اجتماعی دانش فقه بدل می‌شود.

تعریف بیت‌المال، چگونگی شکل‌گیری آن در صدر اسلام، گونه‌های توزیع آن در اسلام نخستین و روزگار کنونی و بیان جایگاه سیاسی آن، از مسائل این نوشتار است. رویکرد مقاله، بررسی مفهوم بیت‌المال، به‌عنوان پدیده‌ای تاریخی و مؤثر در فرایند عدالت اقتصادی در نظام سیاسی، بلکه نظام فلسفه سیاسی مسلمانان است. ما در این مقاله که از روش تحلیلی - منطقی استفاده شده، به دنبال پاسخ با این پرسش هستیم که شیوه تخصیص بیت‌المال چه نسبتی با نوع نظام سیاسی دارد؟

مفهوم‌شناسی بیت‌المال

بیت‌المال، واژه‌ای ترکیبی از دو واژه «بیت»، به معنای خانه و «مال»، به معنای دارایی اجتماعی است. استعمال تاریخی واژه، نهاد و مکانی است که نوعی خزانه عمومی محسوب می‌شده و اموال و منقولات عمومی جامعه اسلامی نظیر: خمس، زکات، جزیه، خراج و غنایم جنگی در آن نگهداری می‌شده است. در متون عربی پیشین، گاهی به صورت «بیت مال المسلمین» یا «بیت مال الله» نیز به کار رفته است.^۱

۱. غلامعلی حداد عادل، دانشنامه جهان اسلام، ص ۸۵.





بیت المال، در صدر اسلام معمولاً در کنار دیوار اصلی مساجد جامع ساخته می شده و از اموال عمومی در آن مکان نگهداری می شده است. پس از افزایش فتوحات مسلمانان در سال سیزدهم، نیاز به مشخص کردن مکان خاصی برای بیت المال به وجود آمد. مسلمانان برای حفظ و نگهداری اموال منقول که از فتوحات و جنگ های با کفار به دست آمده بود، بیت المال را تأسیس کردند و با گسترش آن، کارویژه مالی مهمی در اقتصاد جامعه اسلامی و نظام سیاسی، و به تبع آن، در اقتدار دولت نوپای اسلامی یافت.^۱ بیت المال، مسلماً تنها به مکان خاص نگهداری اموال گفته نمی شود؛ بلکه در عرف مسلمانان، به خود اموال و حدود اموال موجود در بیت المال نیز اطلاق گردید. بیت المال، شامل دو نوع از اموال است:

الف) آنچه از مسلمانان به عنوان درصدی از درآمد سالانه دریافت می شود؛ نظیر زکات و خمس (در فقه شیعه)؛

ب) آنچه از غیر مسلمانان به دست می آید که خود بر دو قسم است: نخست، «غنیمت» که با جنگ و قوای نظامی به دست می آید و دوم، «فی» که با صلح و عفو دریافت می شود.^۲ ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (۴۲۸ق)، بیت المال را به سه بخش تقسیم کرده است:

۱. اموالی که از حقوق سودهای ناشی از کسب و ثروت طبیعی، مثل

ثمرات و میوه ها تأمین می گردد؛

۲. اموالی که از حقوقی که بر جرایم بسته می شود، تأمین می گردد؛

۳. غنایمی که از اموال معاندان با سنت تأمین می گردد.

اموال به دست آمده از منابع مذکور، در مواردی چون: مصالح مشترک، هزینه های پاسدارانی که به کاری مشغول نیستند، بیماران بی درمان و پیران ناتوانان در کسب که تأمین احتیاجات آنها آسیبی به شهر نمی رساند، مصروف می گردد.^۳ ابن سینا، این افراد را به مثابه اعضای شهر یا مدینه در نظر می آورد و نگره ای مدنی به آنها دارد.^۴

۱. ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث، ص ۱۹.

۲. داود فیرحی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، ص ۷۰.

۳. ابن سینا، الشفاء (الالهیات)، ص ۳۵۰.

۴. زحیلی، نظریه الضمان أو احکام المسؤولية المدینة والجناية فی الفقه الاسلامی، ص ۱۵۸.





ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۹۰ق) نیز در باب مصادیق صرف بیت‌المال، نگاهی مشابه ابن‌سینا دارد. فیض کاشانی، با استناد به برخی منابع، دیه کسی را که در ازدحام و ترس و هیاهو کشته شود و کسی را که قاتلش مشخص نیست، بر عهده بیت‌المال می‌داند.^۱ تأمین هزینه کودک بر سر راه مانده، از جمله موارد دیگر صرف بیت‌المال از دیدگاه اوست. وجوب حضانت یابنده، از لقیط^۲ یا کودک سر راهی، در کتاب مفاتیح الشرایع تأکید شده است. در چنین مواردی، مخارج کودک، از مال و ثروت همراه با آن و یا بیت‌المال و یا زکات واجب، قابل تأمین است.^۳

اهمیت بیت‌المال در جامعه اسلامی، از آن جهت است که دارایی بیت‌المال، جزء اموال عمومی است و باید در جهت منافع تمام جامعه مصروف گردد. از این رو، بحث از ماهیت و چیستی، حدود و توزیع بیت‌المال در میان اندیشمندان اسلامی، مسئله‌ای مهم است. این مقاله، به دیدگاه اندیشمندان مسلمان در خصوص بیت‌المال و نقش، جایگاه و اهمیت آن در نظام و فلسفه سیاسی مسلمانان پرداخته است.^۴

پیدایی و استقرار بیت‌المال

گسترش فتوحات مسلمانان از سال سیزدهم هجری، سبب ایجاد مرکزی برای حفظ و نگهداری اموال حاصل از فتوحات گردید. تأسیس نهادی برای نگهداری این اموال با عنوان «بیت‌المال»، حاصل این تلاش است. تأسیس بیت‌المال در نظام سیاسی قدیم اسلام، به زمان ابوبکر (۱۱-۱۳ق) بازمی‌گردد؛ اما تنظیم سازوکاری برای توزیع عادلانه بیت‌المال، متعلق به دوران علی بن ابی‌طالب (ع) (۴۰-۳۵ق) است. در این میان، فتوحات گسترده دوره خلیفه دوم، عمر (۱۳-۲۳ق)، باعث افزایش بیت‌المال ناشی از غنایم جنگی و «مقاسمه» (درآمد حاصل از زمین‌های فتح‌شده) گردید. در دوران عمر، نیاز به سازماندهی اموال به‌دست‌آمده از فتوحات در حکم بیت‌المال، بیش از پیش احساس شد. از این جهت، نخستین بار در زمان وی، نهاد «دیوان» به اقتباس از ایرانیان، برای سامان دادن به امور

۱. فیض کاشانی، مفاتیح الشرائع، ص ۱۵۸.

۲. همان، ص ۵۸.

۳. ابن‌طقطقی، تاریخ فخری در آداب ملک‌داری و دولت‌های اسلام، ص ۸۷.

۴. محمدی، قواعد فقه، ص ۱۶۴.





بیت المال تأسیس شد و نهاد بیت المال را «دیوان بیت المال» نامیدند.^۱ پیشنهاد تأسیس دیوان به شیوه ایرانیان، توسط یکی از نزدیکان عمر با مشاهده تردید خلیفه دوم در چگونگی توزیع اموال مطرح شد.^۲ ابوالحسن ماوردی (۴۵۰ق) می نویسد: خالد بن ولید، چنین نهادی را در شام دید و پیشنهاد داد بر مبنای قرابت به رسول خدا ﷺ، اسامی افراد، برای برخورداری از بیت المال در دیوان ثبت گردد.^۳ عمر با وجود وضوح سیره پیامبر ﷺ در خصوص قوانین بیت المال، قوانین خاص خود را در این باره اجرا می کرد.

محمد تقی جعفری (۱۳۷۷ش) معتقد است خلیفه دوم، مواردی نظیر: سابقه، هجرت، عرب نژاد بودن و خالص بودن نسب را، در برتری بعضی از مردم بر بعضی دیگر، در استفاده از بیت المال قرار داده بود و هرگز بسان امام علی (ع)، در فرمان به مالک اشتر درباره قضات و سران لشکر، ملاک «احتیاج ضروری به مال» را بیان نکرد. علامه جعفری، توجیه حکم برتری دادن عمر را موجه نمی داند. وی همچنین نسبت به نظر ابن ابی الحدید (۶۵۶ق) در مورد دیدگاه او در باب یقینی نبودن تقسیم مساوی بیت المال توسط رسول خدا ﷺ، تعجب می کند. علامه معتقد است اگر این خبر صحیح باشد که پیامبر اکرم ﷺ همه مسلمانان را در استفاده از بیت المال مساوی قرار می داد، با مشاهده تخطی ابوبکر از چنین تقسیمی، عمر می توانست سیره پیامبر ﷺ را به ابوبکر تذکر دهد؛ ولی روایات و تواریخ، از چنین تذکر و استدلالی گزارش نکرده اند.^۴

از هنگام پیدایی بیت المال، بحث مربوط به چگونگی مصرف و بهره برداری از بیت المال، همواره معرکه آرا بوده است. توزیع عادلانه ثروت و برخورداری عادلانه همگانی از اموال و مواهب عمومی، علاوه بر توصیه های مستقیم دینی و انگیزه های اخروی، به سبب تأثیرگذاری آن در ثبات، امنیت و اقتدار سیاسی، همیشه از دغدغه های مسلمانان بوده است. سیره معصومین (ع)، اجرای دقیق عدالت میان همه مسلمانان بوده است. عملکرد پیامبر ﷺ درباره اصلاح قوانین ناعادلانه دوران جاهلیت و تصحیح افکار و برقراری عدالت، به جهت ینش توحیدی ایشان است که در پس اعمال سیاسی و اجتماعی شان نهفته است. آموزه های

۱. ابن طقطقی، تاریخ فخری در آداب ملک داری و دولت های اسلام، ص ۹۲.

۲. الدخیلی، بیت المال؛ پیدایش و تحولات آن، ص ۳۷.

۳. ماوردی، الأحكام السلطانية والولايات الدينية، ص ۲۳۶.

۴. محمد تقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ص ۱۱۳-۱۱۴.





اسلامی، عدالت را بخشی از تقوا و رفتار توحیدی می‌دانند؛ چنان‌که دو مورد از اصلی‌ترین پایه‌های دین الهی را نخست توحید و یکتاپرستی،^۱ و سپس عدل و عدالت گسری دانسته‌اند.^۲ امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

«پیامبر خدا، پس از حذف و ابطال رسوم جاهلیت (از جمله ظلم)، کار ساختن جامعه قرآنی (جامعه قائم بالقسط) را با اجرای عدالت آغاز کرد.»^۳

از این‌رو، برخی از اندیشمندان، عدالت اقتصادی را ذاتی اسلام دانسته‌اند. غالب متفکرانی که عدالت را یکی از اساسی‌ترین آموزه‌های اسلام می‌دانند، به بیت‌المال نگاهی مساوات‌طلبانه دارند.^۴

به سبب گونه‌گونی آرا در توزیع بیت‌المال، این مفهوم، در سیر تکوین خود، به مفهومی پُر اهمیت تبدیل شد و جایگاهی ویژه در مباحث نظری یافت. حکام مسلمان نیز، فارغ از شیوه عملکردشان در مصارف بیت‌المال، به اهمیت نقش آن در اقتدار و ثبات سیاسی تأکید داشته و بدین‌گونه، بیت‌المال، به مفهومی با اهمیت سیاسی بدل شد.^۵

مبارزه با تبعیض و سامان دادن جامعه بر اساس عدالت، یکی از اصول اساسی شرعی و سیاسی اسلام است و تخطی از آن، سبب بازگشت امت اسلامی به جاهلیت سابق و مخدوش شدن اقتدار نظام سیاسی است. «عدالت اقتصادی»، از مهم‌ترین مصادیق عدالت است. اشراف و اغنیا همچون جاهلیت سابق، تقسیم بیت‌المال را براساس اعتبار و حسن شهرت می‌دانستند؛ اما ضعیفا و مسلمانان عدالت‌خواه، معتقد به برابری در تقسیم بودند. تنش‌های موجود در سطح جامعه در توزیع بیت‌المال، باعث شد خلفای دوم و سوم، راهی را که اغنیا به آن باور داشتند، برگزینند؛ اما امام علی علیه السلام بر تقسیم عادلانه تأکید می‌کردند. بدین ترتیب، دو نظر کلی در مورد تقسیم بیت‌المال شکل گرفت: الف. روش تقسیم تفضیلی؛ یعنی تقسیم بر مبنای نسب و اعتبار اجتماعی؛ ب. روش تقسیم یکسان؛ یعنی تقسیم برابر بیت‌المال میان تمام اعضای جامعه.

۱. «یا قوم أعبدوا الله» (اعراف: ۵۹، ۶۵، ۷۳ و ۸۵؛ هود: ۵۰، ۶۱ و ۸۴؛ مؤمنون: ۲۳؛ عنکبوت: ۳۶).

۲. «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ» (انعام: ۱۵۲؛ اعراف: ۸۵)؛ «أَمُرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ» (شوری: ۱۳).

۳. حرّ عاملی، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ص ۴۶-۴۷.

۴. حکیمی، آنجا که خورشید می‌وزد، ص ۶۸.

۵. شیخ طوسی، الخلاف، ج ۲، ص ۱۲۵.





توزیع بیت المال

نقش تأثیرگذار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بیت المال، مسلمانان را همواره درگیر شیوه‌های صحیح توزیع و مصرف آن ساخته است. تقسیم بر مبنای نسب و اعتبار اجتماعی، غالباً مورد توجه اهل سنت قرار گرفت و شیعیان، به روش امام علی علیه السلام در تقسیم عادلانه بیت المال به عنوان دارایی تمامی اعضای جامعه تمسک جستند. شیعیان، شیوه امام علی علیه السلام را یکسره بر اساس سیره پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته و معتقدند امام علیه السلام در این راه، ناگواری‌ها و فتنه‌های بسیاری را متحمل شده است. تقسیم برابر بیت المال بین همه اعضای جامعه و عدم وجود هیچ گونه ترجیحی، صرف نظر از قوم و قبیله، نسب، ثروت، جاه و مقام، سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در دوران خلفای دوم و سوم، به ویژه در دوره عثمان، مورد بی توجهی قرار گرفته است.^۱

سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، توزیع فوری بیت المال بوده است و از این جهت، به اعضای جامعه نوعی تشخیص اجتماعی می‌بخشیده‌اند. در کتاب الأموال، به توزیع بی‌درنگ بیت المال توسط پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است که حتی ایشان «بیت المال به دست آمده را تا فردای آن روز نگه نمی‌داشت»؛^۲ به عنوان مثال، غنیمت‌های جنگ خیبر در همان محل، میان مسلمانان تقسیم شد.^۳ از این رو، در زمان آن حضرت، نیازی به دیوان بیت المال احساس نمی‌شد. از سوی دیگر، در شرایطی که شبه جزیره عربستان فاقد نظام اقتصادی منسجم بود، شیوه انباشت بیت المال معقول نبود. همچنین، فقر گسترده مردم عاملی در توجیه توزیع بی‌درنگ بیت المال بود.^۴

خلیفه اول، ابوبکر نیز شیوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در توزیع بی‌درنگ بیت المال اجرا می‌کرد. از این رو، به لحاظ اجرایی در عصر وی نیز نیازی به تأسیس دیوان نبود. ابوبکر، بیت المال را مساوی (بالسویه) تقسیم می‌کرد و در مقابل درخواست بزرگان برای توزیع بیت المال بر مبنای فضل، اجر فضل بزرگان را با خداوند می‌دانست و بر توزیع مساوی اهتمام می‌ورزید. او عمر را متولی نهاد بیت المال خویش کرد.^۵

۱. طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۲۶.

۲. الخزاعی، الأموال، ص ۳۱۶.

۳. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۳، ص ۳۶۴-۳۶۵.

۴. سیحانی، فروغ ابدیت، ص ۲۰۱.

۵. قلقشنندی، صبح الأعشى، ج ۱، ص ۴۱۳؛ قاضی ابویوسف، کتاب الخراج، ص ۵۳۰.





نخستین بار عمر بن خطاب با تقسیم افراد به طبقات مختلف، مقرری سالیانه متفاوتی برای افراد جامعه در نظر گرفت که از آن، به «روش تفصیلی در تقسیم بیت المال» یاد کرده‌اند (منتظری مقدم، ۱۳۸۲: ۱۴۲). بنابراین، در یک سو «روش بالسویه» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ابوبکر و امام علی علیه السلام، و در سوی دیگر، «روش تفصیلی» عمر و عثمان قرار داشت که با شهادت امام علی علیه السلام، «روش تفصیلی»، میان خلفای اموی و عباسی تداوم یافت و در دوره اموی، حتی ملک بیت المال به ملک شخصی بدل شد.^۱ عمر بن خطاب، خود به عدم مطابقت روش خویش در تقسیم بیت المال با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، اذعان داشت؛ اما این کار را به جهت حفظ قدرت، مفید می‌دانسته است. ابو عبید قاسم بن سلام خزاعی (۲۲۴ق)، سابقه بیشتر و تلاش زیادتر را ملاک عمر در تقسیم بیت المال می‌داند. باین حال، وی در ادامه، از زید بن اسلم نقلی از زبان عمر بیان می‌دارد که می‌گفت:

«اگر تا سال آینده زنده ماندم، آخر مردم را به اولشان ملحق

می‌سازم تا همه یکی باشند».^۲

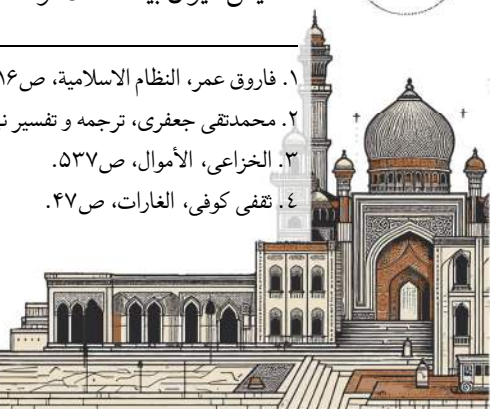
در دوران امام علی علیه السلام، تقسیم عادلانه بیت المال، به مسئله‌ای حساس و چالش برانگیز تبدیل شد. امام علی علیه السلام در سیاست‌ورزی نیز به تمام کارگزاران زکات و اموال عمومی دستور داد تنها کسانی را بر اموال مردم گمارند که بر دین‌داری آنان یقین و اعتماد کامل دارند تا با اموال مسلمانان با رفق و ملایمت رفتار کنند.^۳ امام علی علیه السلام، در فردای بیعت و در نخستین روز شروع کار خلافت، موضوع بیت المال و عدالت اقتصادی را مطرح کرد و کیفیت توزیع مال و ثروت در دوران خلفای قبلی، خاصه خلیفه سوم را به نقد کشید. طرح این مسئله، در نخستین روز فعالیت سیاسی، نمایانگر اهمیت بیت المال است. شیوه تقسیم بالسویه امام، از سوی سَهْل بن حُنَیْف اَوْسِی اَنْصَارِی (۳۸ق) مورد اعتراض قرار گرفت و کسان دیگری نیز به صف مخالفان پیوستند. امام علی علیه السلام، تأخیر اعطای اموال از سالی به سال دیگر را به دلیل تأسیس دیوان بیت المال توسط عمر، برخلاف سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌دانست.^۴

۱. فاروق عمر، النظام الاسلامیة، ص ۱۱۶.

۲. محمد تقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ص ۱۱.

۳. الخزاعی، الأموال، ص ۵۳۷.

۴. ثقفی کوفی، الغارات، ص ۴۷.





به گزارش احمد بن یحیی بلاذری (۱۹۵ق)، عثمان از بیت المال به خویشان خود می بخشید و این عمل را صله رحم می دانست.^۱ امام علی علیه السلام، با توزیع مساوی بیت المال، بی اعتمادی مردم نسبت به توزیع بیت المال در دوره عثمان را به اعتماد بدل نمود^۲ و بیت المال را امانتی می دانست که باید به «اهلش» واگذار شود.^۳ در مقابل، مخالفان، به تقسیم یکسان بیت المال بین سران قبایل و افراد عادی جامعه معترض بودند. امام علی علیه السلام، بیت المال را متعلق به خلق خداوند می دانست و با ایشان به مخالفت برخاست. ایشان مکان بیت المال را پس از تقسیم اموال، جاروب می کرد و در آن نماز می خواند.^۴ ایشان حتی به بررسی اموالی که به ناحق در دوران های پیشین به افرادی خاص عطا شده بود، پرداختند تا حق فقرا از اغنیا بازستانند و به بیت المال بازگردانند.^۵ ایشان در نامه به یکی از کارگزارانش، به خداترسی و بازگرداندن اموال مردم تأکید نمود و عقوبت عدم تقسیم یکسان بیت المال را بیان کرد.^۶ آن حضرت خویشاوندی را هرگز سبب منفعت طلبی در باب بیت المال نمی دانست؛ چنان که نسبت عقیل بن ابی طالب با خلیفه مسلمانان به عنوان برادر، هرگز به امتیازی ویژه برای دست اندازی اش به بیت المال بدل نشد.^۷ مطابق تاریخ یعقوبی، عقیل یکی از سه نفری است که در زمان عمر، برای رده بندی مراتب مسلمانان در دریافت بیت المال، فراخوانده شد.^۸ این، در حالی است که در زمان امام علی علیه السلام، آن حضرت به تقسیم مساوی بیت المال می پرداخت.

در خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه، به سر بردن روی خارهای سعدان و با غل و زنجیر به این سو و آن سو کشیده شدن، خوش تر از ستم به برخی بندگان و غضب اموال ایشان شمرده شده

۱. بلاذری، انساب الأشراف، ص ۱۳۳.

۲. حکیمی، آنجا که خورشید می وزد، ص ۱۶۸.

۳. بلاذری، انساب الاشراف، ص ۱۱۰.

۴. جاحظ، رسائل الجاحظ، ص ۲۴۲.

۵. المسعودی، مروج الذهب ومعادن الجوهر، ص ۳۶۲.

۶. ابن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه، ص ۳۸۰.

۷. ثقفی کوفی، الغارات، ص ۵۵۰.

۸. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ص ۴۰.





است.^۱ تهی دستی برادر، یعنی عقیل و درخواست او برای بخشش یک من از گندم‌های بیت‌المال، هرگز باعث نادیده انگاشتن عدالت از سوی امام نشده است.^۲ برخی این رفتار امام را به وقوع پیوستن عبارت پیامبر ﷺ در حق امام علی علیه السلام، یعنی «اَقْسَمَهُمُ بِالسَّوِيَّةِ»، دانسته‌اند که با مناقشه بزرگان با ایشان همراه شد.^۳ بعضی پژوهشگران معاصر، عدم تمایز میان عرب و عجم، ارباب و غلام، و قریشی و غیرقریشی را از دیگر اسباب اعتراض اعراب دانسته‌اند.^۴ امام حتی از بیت‌المال برای کسب موفقیت نیز بهره نبرد و در برابر سخن فردی که به ایشان پیشنهاد داد برای جذب افراد در جنگ، به آنها وعده بیت‌المال دهد، این کار را به جنگ آوردن پیروزی با ستم دانست.^۵

شیوه تقسیم بالسویه بیت‌المال از جانب امام علی علیه السلام، باعث شده بود حتی مخالفان آن حضرت، بسان طلحه و زبیر که به دلیل بیم دست بردن آنان در بیت‌المال از سوی امام به کار گرفته نشدند، بر عدالتش اعتراف کنند.^۶ امام علی علیه السلام، در ملاقات شبانه عمروبن عاص، با خاموش کردن چراغ بیت‌المال، به عمروبن عاص، عدم برخورداری از سهمی اضافه از بیت‌المال را تفهیم می‌کند. صحابه پیامبر نیز سهم برابری با دیگران داشتند. اعتراض سهل‌بن حنیف برای بهره‌مندی مساوی از بیت‌المال با غلامش، تنها با گوشزد نمودن سهم برابر همگان از سوی امام همراه بود.^۷ محمدبن یعقوب کلینی رازی (۲۵۵ق) توضیح امام را چنین می‌نویسد:

«در کتاب خدا نظر کردم و هرگز دلیلی بر تفوق فرزند اسماعیل بر فرزند اسحاق نیافتم.»^۸

۱. محمدتقی جعفری، نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

۲. همان، ص ۷۲۷.

۳. صالحی شامی، سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، ص ۲۹۶.

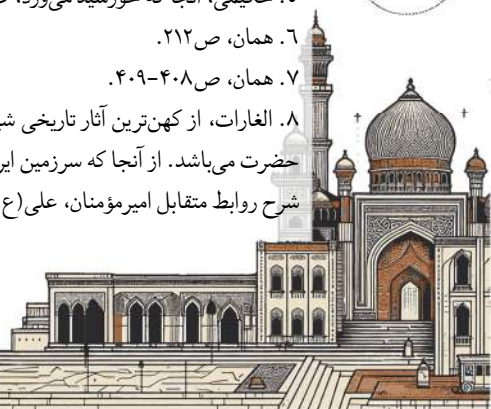
۴. مطهری، مجموعه آثار (حکمت‌ها و اندرزها ۱۲)، ص ۲۶۱-۲۶۲.

۵. حکیمی، آنجا که خورشید می‌وزد، ص ۳۹۵.

۶. همان، ص ۲۱۲.

۷. همان، ص ۴۰۸-۴۰۹.

۸. الغارات، از کهن‌ترین آثار تاریخی شیعه درباره شیوه و آداب کشورداری علی (ع) پس از جنگ نهروان تا شهادت آن حضرت می‌باشد. از آنجا که سرزمین ایران در قلمرو حکومتی علی (ع) بود، این کتاب از معتبرترین و مستندترین آثار در شرح روابط متقابل امیرمؤمنان، علی (ع) و شیعیان ایرانی است.





محمدباقر مجلسی، از ابراهیم بن محمد ثقفی (۲۸۳ق) نقل می‌کند که گروهی از اصحاب امام علی علیه السلام، در تقسیم بیت المال، ارجحیت اشراف عرب و قریش را بر موالی، عجم و کسانی از مردم که احتمال مخالفت و فرار آنان وجود دارد، خواستار شدند؛ ولی امام چنین کاری را پیروزی از طریق ظلم دانستند.^۱

این رویکرد اقتصادی، خالی از تبعات سیاسی نبود؛ هزینه سیاسی بزرگی که امام علیه السلام بر سر عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه بیت المال پرداخت کرد، اهمیت آن را در نگرش ایمانی و سیاسی وی در جایگاه خلیفه و امام مسلمانان به خوبی نشان می‌دهد. با وجود این، امام از آن جهت که مصداق نمونه آرمانی حکومت ورزی اسلامی برای ادوار بعدی جامعه اسلامی بود، حقیقت‌گرایی را بر قدرت محوری ترجیح می‌داد.

پس از شهادت امام علی علیه السلام، خلفای اموی با بازگشت به جاهلیت پیش از اسلام، به عدم پیروی از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در تقسیم بیت المال پرداختند. معاویه بن ابی سفیان پس از شهادت امام حسن علیه السلام، به حاکمان و کارگزاران خود دستور داد که نام شیعیان را از دفتر بیت المال حذف کنند.^۲ بدین ترتیب، معاویه، بیت المال را به ابزاری سیاسی برای فشار علیه شیعیان بدل کرد. با این بیان، بیت المال در تاریخ اسلام، تنها نهادی اقتصادی نبوده و تأثیرات سیاسی داشته است.

تولیت و مدیریت بیت المال

با افزایش میزان بیت المال مسلمانان، تعیین حدود و قوانین مربوط به آن نیز در جوامع اسلامی مورد توجه قرار گرفت و در کنار تعیین مقررات قضایی و قراردادهای مختلف در جامعه، مباحث مربوط به فرد واجد صلاحیت برای در دست گرفتن بیت المال پدیدار شد. منصب تولیت بیت المال در نظام سیاسی اسلام، در حیطه امور حاکمیتی است؛ زیرا منابع بیت المال در اختیار حکومت است. البته در این میان، موضوع مشروعیت حکومت وقت مطرح می‌شود.

از نظر شیعیان، رویه دیگر حکومت دنیوی معصوم، حق تولیت بیت المال است. بنابراین، متولی اصلی بیت المال نیز امام عصر است؛ زیرا تولیت بیت المال،

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۴۵-۴۴.





مستلزم عدالتی است که تنها در وجود معصوم یافت می‌شود. سپردن پاسداری از اموال جامعه اسلامی، به بالاترین مقام معنوی، نشان از اهمیت فوق‌العاده بیت‌المال نزد مسلمانان است. در دوران غیبت امام مهدی علیه السلام، بحث در باب تولیت بیت‌المال، در تداوم مباحث مربوط به تولیت جامعه اسلامی در عصر غیبت قرار می‌گیرد که نایب امام، متولی بیت‌المال است.^۱ همچنین، در دوران غیبت، علمای دین نیز تا حدودی مسئولیت دریافت و تقسیم وجوهات شرعی را به عهده دارند و البته با تشکیل حکومت اسلامی، نظیر حکومت ولایت فقیه کنونی، بخشی از موارد حکومتی بیت‌المال، در حیطه اختیارات ولی فقیه است.^۲ شرط لازم ولایت در بیت‌المال، عدالت است که در امور اقتصادی، به معنای برخورداری از عدالت اقتصادی است.

در صدر اسلام، محدودیت منابع بیت‌المال، سبب ارجحیت تولیت واحد بود؛ زیرا منابع اصلی بیت‌المال، تنها در جزیه، خراج، انفال، زکات و خمس خلاصه می‌شد. مجموع عایدات بیت‌المال از موارد مذکور، صرف هزینه‌های جامعه اسلامی، کمک به فقرا و مساکین و تقسیم میان مسلمانان می‌شد. این کار، در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله توسط خود آن حضرت و در زمان خلفای بعدی نیز توسط خلفا صورت می‌گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله، تنها نوابی از سوی خود برای دریافت وجوهات قرار می‌داد.^۳ خلفا نیز برای نظارت کامل بر بیت‌المال، فردی را به‌عنوان نایب بر ریاست دیوان بیت‌المال می‌گماشتند که نماینده خلیفه محسوب می‌شد؛ چنان‌که در زمان ابوبکر، ابوعبیده جراح، از متولیان بیت‌المال بود.^۴ عثمان، عبدالله بن ارقم را بر این سمت نهاد و مطابق گزارش طبری (۳۱۰ ق)، در زمان امام علی علیه السلام عبدالله ابی‌رافع، متولی دیوان بیت‌المال مسلمانان بود.^۵

در میان انواع مصادیق بیت‌المال در نظریات اندیشمندان پیشین، «مالیات» موضوعی بحث‌برانگیز است؛ اندیشمندان پیشین، در مورد جواز یا عدم جواز دریافت مالیات و

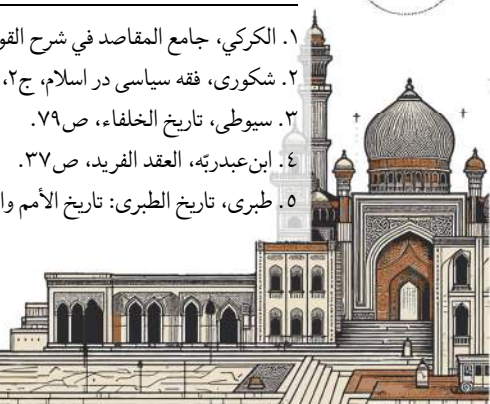
۱. الکرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ص ۴۷۶.

۲. شکوری، فقه سیاسی در اسلام، ج ۲، ص ۵۱۴.

۳. سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۷۹.

۴. ابن‌عبدربه، العقد الفرید، ص ۳۷.

۵. طبری، تاریخ الطبری: تاریخ الأمم والملوک، ص ۱۵۶.





بیت‌المال توسط حاکم ظالم، اختلاف نظر داشته‌اند.^۱ حکام ظالم، مالیات را در راه تمنیات شخصی‌شان مصرف می‌کردند؛ درحالی‌که علت دریافت مالیات در اسلام، این است که اموال به‌دست‌آمده برای عموم اعضای جامعه صرف شود. الگوی تقسیم بالسویه رسول خدا ﷺ و امام علی علیه‌السلام، از هرگونه سوء استفاده شخصی بیت‌المال جلوگیری می‌کرد. امام در نامه به مالک اشتر، به وی دستور می‌دهد مالیات و بیت‌المال را به گونه‌ای واریسی کند که صلاح مالیات‌دهندگان باشد؛ زیرا بهبودی مالیات و مالیات‌دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقدار جامعه است و تا امور مالیات‌دهندگان اصلاح نشود، کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت.^۲ مصلح‌الدین سعدی شیرازی (۶۹۱ق) چنین سروده است:

نه از بهر آن می‌ستانم خراج که زینت کنم بر خود و تخت و تاج
مرا هم ز صد گونه آرز و هواست ولیکن خزانه نه تنها مراست^۳

تحقق عدالت در بیت‌المال، نیازمند متولی عادل و برخوردار از سلامت نفس است. در سیره معصومین علیه‌السلام، تقسیم بالسویه بیت‌المال، خود به معنای گذر از حب نفس است؛ زیرا در ساختار سیاسی شبه‌جزیره عربستان که مبتنی بر نظام قبیله‌ای و قدرت بزرگان قبایل بود، شیوه تفضیلی به جهت حفظ قدرت، بهترین شیوه محسوب می‌شد؛ اما با شیوه اسلام مناسبتی نداشت. از همین رو، موضوع تولیت بیت‌المال، از همان ابتدا امری سیاسی بود. شیوه امام علی علیه‌السلام در این زمینه، چنان بود که حاشیه‌ای‌ترین گروه‌های جامعه را نیز در بیت‌المال شریک می‌کرد؛ تا جایی که امام تأکید داشت به همه از بیت‌المال سهم می‌رسد؛ هرچند به امامت معتقد نباشند؛ زیرا آنان همه در قلمرو حاکمیت‌اند.^۴ البته برخی اهل سنت نیز اعتقاد به تقسیم بالسویه داشته‌اند؛ محمدبن ادریس شافعی (۲۰۴ق) معتقد به تقسیم بالسویه بیت‌المال است. هنگامی که هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ق) از وی درخواست بازگو کردن هرگونه حاجتی را نمود، وی تقسیم بالسویه بیت‌المال را از او درخواست کرد.^۵ بر این اساس،

۱. روحانی، فقه الصادق (ع)، ص ۶۵.

۲. جعفری، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، ص ۸۹۳.

۳. سعدی شیرازی، کلیات سعدی، ص ۲۹۹.

۴. سیوطی، تاریخ الخلفاء، ج ۱، ص ۱۸۰.

۵. ابن‌عثم کوفی، الفتوح، ص ۲۸۷.





نظریات نظام سیاسی در اسلام را می‌توان به دو گروه «نظریات نظام سیاسی قدیم» و «نظریات نظام سیاسی جدید» تقسیم کرد. منظور از نظریات قدیم، نظریاتی است که در آنها اتکای اصلی در سیاست‌ورزی، بر دوش حاکم است و نظام سیاسی، متکی بر حاکم سیاسی است؛ اما در نظریات متأخر نظام سیاسی، حکومت بیشتر از ظرفیت نهادهای سیاسی برای حکمرانی استفاده می‌کند.

بیت‌المال در نظریات قدیم نظام سیاسی

در نظریات سنتی نظام سیاسی در اسلام، حاکم اسلام، به‌تهایی مسئول تمام مسائل دینی، سیاسی، اجتماعی و قضایی است؛ چنان‌که ابن‌فراء (۴۵۸ق)، توزیع بیت‌المال را یکی از وظایف دهگانه امام امت می‌داند.^۱ الگوی نظریات سنتی، سنت پیامبر ﷺ و خلفاست. در نظریات خلافت، خلیفه و در نظریات امامیه، امام متولی بیت‌المال است؛ به‌عنوان مثال، فقهای شیعه به وجوب تحویل خمس به‌مثابه یکی از مصادیق بیت‌المال به امام رأی داده‌اند.^۲ در میان علما و حکمای قدیم، ابوعلی سینا در کتاب شفاء بیت‌المال را ذیل حکمت مدنی بررسی می‌کند و آن را جزو اموال مدینه یا شهر در نظر آورده که مالکیت آن، میان اعضای مدینه مشترک است؛ اما تولیت آن، به حاکم واگذار می‌شود.^۳ به‌طورکلی، می‌توان گفت تقریباً تمامی نظریات سنتی در باب بیت‌المال، به تولیت واحد آن نظر دارند. در نظام سیاسی سنتی، امرای ولایات متولی بیت‌المال بودند و گاهی نیز نمایندگانی از سوی خلیفه یا حاکم در ولایات مختلف گماشته می‌شدند که وظیفه جمع‌آوری مالیات را داشتند؛ برای مثال، خلیفه دوم به همراه والی ولایات، یک نفر را نیز به‌عنوان متولی بیت‌المال اعزام می‌کرد. اعزام نایب ویژه بیت‌المال جدای از امیر، خود به معنای گسترش امور مالیه نهاد بیت‌المال و انفکاک آن از نهاد امارت بود.

در دوره امویان (۴۱-۱۳۲ق)، نظامی منسجم بر دیوان بیت‌المال حاکم شد؛ اما نخستین بار در عصر عباسیان با ورود منشیان و دیوانیان ایرانی، شبکه‌ای از نظام

۱. داود فیرحی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، ص ۵۶.

۲. ابن‌سینا، الشفاء (الالهیات)، ص ۹۵.

۳. همان.





بیت المال در سرتاسر سرزمین های اسلامی شکل گرفت و آن را به صورت یک سازمان گسترده در آورد. دیوان بیت المال در این دوره، دارای سمت های متعددی بود که مهم ترین آنها عبارت بودند از: صاحب، مباشر، ناظر، متولی، مستوفی، معین، ناسخ، عامل، کاتب، جهبذ، شاهد و کارمندان. همه سمت ها، در فرآیند شناسایی، گردآوری، تجمع و تخصیص بیت المال دخیل بودند.^۱

نمایندگان مختلف دیوان بیت المال در سرتاسر بلاد اسلام، همگی سازمانی واحد را تشکیل می دادند که مطابق با الگوی قدیم نظام سیاسی، زیر نظر حاکم یا خلیفه مسلمانان اداره می شد؛ به عبارت بهتر، در نظریات سنتی نظام سیاسی اسلام، نوعی وحدت ساختاری بر نهاد بیت المال حاکم است و با تکرر مراجع بیت المال مواجه نیستیم.

یکی از موارد اصلی بیت المال که زیر نظر حاکم دریافت می شد، خراج بود و در واقع، مالیاتی بر زمین های دولتی [یا به تعبیر شیعه، اراضی متعلق به امام] محسوب می گردید. این زمین ها، غالباً در فتوحات، به اموال بیت المال اضافه می شد و کسانی که خواهان زراعت بر روی آن بودند، باید مبلغی را به عنوان خراج به دولت می دادند. ذیل باب خراج، رسالات متعددی با عناوین رسالات خراجیه نگاشته شده است که مهم ترین آنها کتاب الخراج قاضی ابویوسف و کتاب الخراج یحیی بن آدم است. معمولاً فقها بحث از خراج را همراه با بحث «مقاسمه و عُشری» (یک دهم مالیات بر محصول اراضی) مطرح کرده اند.^۲

در میان شیعیان، علی بن عبدالعالی جبل عاملی معروف به محقق کرکی (م. ۹۱۲ق) در رساله ای با عنوان قاطعة اللجاج فی تحقیق حلّ الخراج، رأی بر روا بودن دریافت خراج داده است. گروهی از فقها از جمله شیخ ابراهیم قطیفی (۹۵۰ق) نیز در رساله ای با عنوان السراج الوهاج لدفع عجاج قاطعة اللجاج برخلاف محقق کرکی، به روا نبودن دریافت خراج رأی دادند.^۳ این دو رساله، نماینده دو دیدگاه در اندیشه سیاسی فقهای شیعه بوده است که در عصر خود، مشاجرات سیاسی فراوانی به همراه داشته است.^۴

۱. ابن الممات، کتاب قوانین الدّواوین، ص ۳۰۲.

۲. محمدجعفر هرنزی، فقها و حکومت؛ پژوهشی در تاریخ فقه سیاسی شیعه، ص ۱۶۰.

۳. رسول جعفریان، «منابع فکر و فقه سیاسی شیعه در دوره صفوی؛ مروری بر رساله های خراجیه»، ص ۱۹۴.

۴. هرنزی، پیشین، ص ۱۴۶.





نظریات جدید نظام سیاسی شیعه در عصر غیبت، اگرچه رأی بر روابودن بیت‌المال داده‌اند، سازوکار متفاوتی برای دریافت آن بیان کرده‌اند. اگر در نظریات قدیم، همان‌گونه که قطب‌الدین محمد حسینی نیریزی (م. ۱۱۳۹ق) نیز تأکید دارد، دریافت خراج، بر عهده حاکم است،^۱ در نظریات جدید نهاد سیاسی، دریافت‌کننده خراج در عصر غیبت به شمار می‌رود؛ هرچند متولی اصلی آن، امام غایب است.^۲

بیت‌المال در نظریات جدید نظام سیاسی

در نظریات جدید نظام سیاسی، موضوع بیت‌المال مسلمانان دارای چند ویژگی اساسی است: ۱. خلیفه، حاکم یا فرمانروا، به‌تنهایی مسئول بیت‌المال نیست؛ ۲. نهاد بیت‌المال، واحد نیست؛ بلکه با چند نهاد مواجهیم؛ ۳. منابع بیت‌المال افزایش یافته است؛ مثلاً با کشف معادن، ذخایر و منابع طبیعی و درآمدهای گسترده مالیاتی، بیت‌المال دارای حدود و مختصات متفاوتی نسبت به گذشته است.

گسترش میزان جمعیت و مخارج بالاتر، در شیوه زیست دنیای جدید نیز در بحث از بیت‌المال در جوامع کنونی مطرح است. بنابراین، در الگوهای جدید نظام سیاسی اسلامی، تأسیس صندوق ملی برای انباشت و مدیریت مخارج، ضروری است؛ به‌عنوان مثال، تأسیس صندوق ذخیره ارزی، با هدف مدیریت منابع مالی مازاد بر فروش نفت، در جمهوری اسلامی از راه‌های تأسیس صندوق ملی برای مصرف بهینه بیت‌المال است.^۳ صرف بیت‌المال در راه هزینه‌های رفاه عمومی، مانند: بهداشت، آموزش و پرورش، عمران و شهرسازی، خدمات عمومی، امنیت، حوادث غیرمترقبه و...، ضرورت تجمع بیت‌المال و مدیریت آن را توجیه می‌کند. بنابراین، الگوهای مدیریت بیت‌المال در جامعه اسلامی معاصر، متفاوت از الگوهای نظام سیاسی قدیم است؛ اما شرط اساسی در مدیریت بیت‌المال، ضرورت رعایت عدالت و کاهش نابرابری، فقر و رانت‌خواری است.

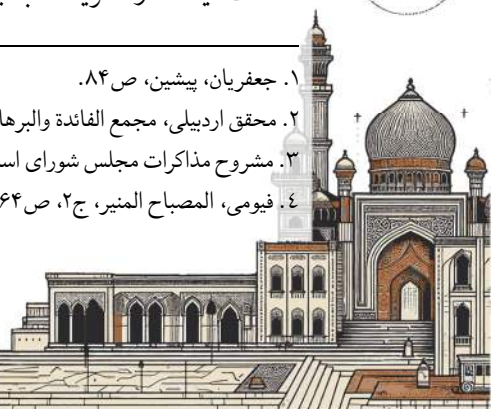
اهمیت سیاسی بیت‌المال در جوامع جدید مسلمان، از دو جهت قابل بررسی است: نخست اینکه در نظریات جدید، حیطه‌های مختلفی وجود دارد.^۴ در ولایت سیاسی فقیه،

۱. جعفریان، پیشین، ص ۸۴.

۲. محقق اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ص ۵۱۷.

۳. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ج ۷، تهران، انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵، ص ۲۴-۲۶.

۴. فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۶۴-۳۶۵.





مراجع متعددی برای دریافت بیت المال در بدنه دولت مدرن به وجود آمده است؛ به عنوان مثال، عایدات منابع طبیعی، درآمدهای عمومی و یا حتی نهادهایی نظیر کمیته امداد، خارج از حیطه ولایت در بیت المال قرار دارد. از سویی، متولی بخش دیگری از بیت المال، تحت عنوان خمس و زکات و وجوهات شرعی، ذیل اختیارات مراجع است. در درجه دوم، اهمیت سیاسی بیت المال در جامعه‌ای آشکار می‌شود که دارای مردمی مسلمان است؛ اما دستگاه حاکمه، از مشروعیت دینی برخوردار نیست. امام خمینی رحمته الله علیه (م. ۱۳۶۸ ش)، یکی از اصلی‌ترین مطالبات ملت ایران از رژیم پهلوی را به هدر ندادن بیت المال مردم و درآمدهای ناشی از نفت می‌دانست.^۱

امام خمینی رحمته الله علیه، به عنوان یکی از نظریه‌پردازان نظام سیاسی جدید تشیع، از اهمیت عدالت اجتماعی و عدالت در بیت المال، به عنوان حقی از مردم، سخن می‌راند و علت اصلی هدر دادن بیت المال را «حب نفس» و تمایل به تمینات دنیایی و خوش گذرانی حاکم وقت می‌دانست. به عقیده ایشان، هدف اسلام از سیاست، گسترش قدرت نیست؛ بلکه انسان‌سازی و تشخیص دادن به انسان‌هاست. برابری تمام اعضای جامعه در بیت المال، از اهداف سیاسی چنین حکومتی است.^۲

شاگردان فکری امام نیز با همان مختصات نظری امام، به موضوع بیت المال می‌نگرند. مرتضی مطهری (م. ۱۳۵۸ ش)، بر آن بود هزینه‌های تمام اموری که نفس آن دارای شرافت است، می‌تواند از بیت المال تأمین گردد.^۳ سید محمد حسینی بهشتی (م. ۱۳۶۰ ش)، آموزش و پرورش رایگان و علم‌آموزی در مسیر الهی را از مصادیق کارهایی می‌داند که نفس آن دارای شرافت است و هزینه‌های آن می‌تواند از بیت المال تأمین گردد.^۴

محمدتقی مصباح یزدی (۱۳۹۹ ش) معتقد است کارگزاران حکومتی باید از بیت المال برای ترویج فرهنگ اسلامی استفاده کنند.^۵ عبدالله جوادی آملی (م. ۱۳۱۲ ش) معتقد است

۱. روح‌الله موسوی خمینی، بیانات در جمع ایرانیان مقیم خارج، پاریس، نوفل لوشاتو، ۱۳۵۷/۷/۲۸.

۲. موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۹۵-۳۹۷.

۳. مطهری، فلسفه تاریخ (مجموعه آثار شهید مطهری)، ج ۱۵، ص ۴۴۳.

۴. بهشتی، ولایت، رهبری، روحانیت، ص ۳۸۳-۳۸۴.

۵. مصباح یزدی، به سوی او، ص ۱۳۸.





اموال بیت‌المال، از ثروت‌های عمومی به شمار می‌آید و نگهداری آن بر عهده نظام اسلامی است. در مصرف آن نیز نظام اسلامی افزون بر نیازهای دفاعی و هزینه‌های اجرایی خود، باید به خدمات عمومی جامعه توجه کند. توزیع عادلانه اموال عمومی، از حکمت‌های وجودی تشکیل حکومت و قوه مجریه است و هیچ‌کس بدون استحقاق، حق بهره‌گیری شخصی از آن ندارد.^۱ در مواردی مانند: پرداخت حقوق مأموران اجرایی، انتظامی، دفاعی، قضایی و هزینه زندگی نیازمندان، یتیمان و خدمات عمومی، هزینه‌کردن بیت‌المال ضرورت دارد.^۲

محمدرضا حکیمی (۱۴۰۰ش) نیز به وجوب فوری رفع احتیاج نیازمندان بر اساس قوانین جامعه اسلامی به‌وسیله بیت‌المال (اموال دولت اسلامی) اعتقاد دارد.^۳ حکیمی در کتاب خورشید مغرب یکی از مصادیق فساد اقتصادی را فساد در امور مربوط به بیت‌المال می‌داند و مساوات اقتصادی را جوهر دین و از اصول شیوه حکومتی رسول خدا و ائمه‌الین می‌شمارد. وی براساس احادیث و روایات، فقر اقتصادی را سویه دیگر چپاول بیت‌المال توسط اغنیا می‌داند.^۴ نگره حکیمی به موضوع بیت‌المال و اساساً اقتصاد اسلامی، نگره‌ای سیستمی است؛ به این معنا که معتقد است کژکارکردهای اقتصادی در یک نظام سیاسی می‌تواند به ناعدالتی‌های اقتصادی منجر شود. بنابراین، میان فقر اکثریت و غنای اقلیت، ارتباطی مستقیم وجود دارد.^۵

نتیجه‌گیری

در اندیشه سیاسی اسلامی، مفهوم «بیت‌المال» با مفهوم «عدالت»، پیوند ذاتی دارد. بیت‌المال، امانت مردم و یا خداوند در دست متولی آن است. بنابراین، حفظ بیت‌المال از

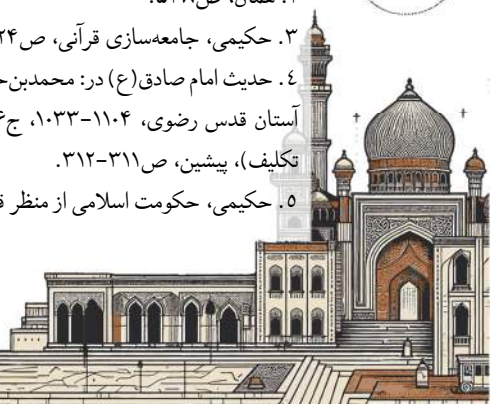
۱. جوادی آملی، مفاتیح الحیاة، ص ۵۳۵-۵۳۶.

۲. همان، ص ۵۳۸.

۳. حکیمی، جامعه‌سازی قرآنی، ص ۱۲۴.

۴. حدیث امام صادق (ع) در: محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۱۰۴-۱۰۳۳، ج ۶، ص ۴؛ بیان حکیمی در: محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب (غیب، انتظار، تکلیف)، پیشین، ص ۳۱۱-۳۱۲.

۵. حکیمی، حکومت اسلامی از منظر قرآن و احادیث، ص ۲۰۶.





سوی متولی بیت المال، در درجه نخست پابندی به حدود و عهد الهی است. مفهوم بیت المال، اگرچه ماهیتی اقتصادی دارد، اما با واسطه مفاهیمی مانند عدالت اقتصادی و اقتدار سیاسی، موضوع تأمل نظری در فلسفه سیاسی اسلامی است. بحث از بیت المال به دلایلی مختلفی، به مسئله‌ای سیاسی تبدیل شده است. اندیشمندان مسلمان، بحث بیت المال را تحت حکمت مدنی طرح کرده‌اند و عدالت اقتصادی مثلاً در حکومت امام علی (ع)، به یکی از ارکان عدالت سیاسی بدل شده است و مدیریت بیت المال به بقا و زوال حکومت‌ها گره خورده است. به این سبب، ظرفیت سیاسی بیت المال را نمی‌توان نادیده گرفت. همین نکته، موضوع بیت المال را به موضوع نظام سیاسی گره می‌زند.

بیت المال، در حقیقت، دارایی عمومی جامعه است؛ یعنی همان حوزه‌ای که سیاست از ساحت نظری به منصفه ظهور می‌رسد. بنابراین، متولی بیت المال در نظام های سیاسی، در صرف و تخصیص آن، باید منافع عموم جامعه و نه منافع عده‌ای خاص را در نظر داشته باشد. اندیشمندان اسلامی، مصداق تعرض به بیت المال را صرفاً تعرض مستقیم به اموال ندانسته‌اند، بلکه بی‌عدالتی در تخصیص و تبعیض در آن را نیز از مصادیق تعرض به بیت المال برشمرده‌اند.

الگوی قدیم و جدید نظام‌های سیاسی، در زمینه بیت المال در سه مورد اختلاف دارند: تولید بیت المال، نهاد بیت المال و منابع بیت المال. در نظریات قدیم نظام سیاسی، ما معمولاً با تولید واحد بیت المال و تمرکز آن در خلیفه، حاکم یا فرمانروا مواجهیم. نهاد بیت المال نیز به تبع آن، واحد است. منابع بیت المال، محدود است و غالباً به وجوهات شرعی، غنایم و مواردی از این دست مربوط می‌شود؛ اما در نظام سیاسی جدید، تولید بیت المال در شخص واحدی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه وجوه و شقوق مختلف آن، دارای مدیریت مخصوص به خودند که یک ساختار ذیل نظامی سیاسی با تفکیک قوا قرار می‌گیرند. همچنین، نهاد بیت المال نیز واحد نیست؛ بلکه با نهادهای متعدد در زمینه بیت المال مواجهیم و در نهایت، منابع بیت المال نیز افزایش یافته است؛ مثلاً با کشف معادن، ذخایر و منابع طبیعی و درآمدهای گسترده مالیاتی، بیت المال دارای حدود و مختصات متفاوتی نسبت به گذشته است.

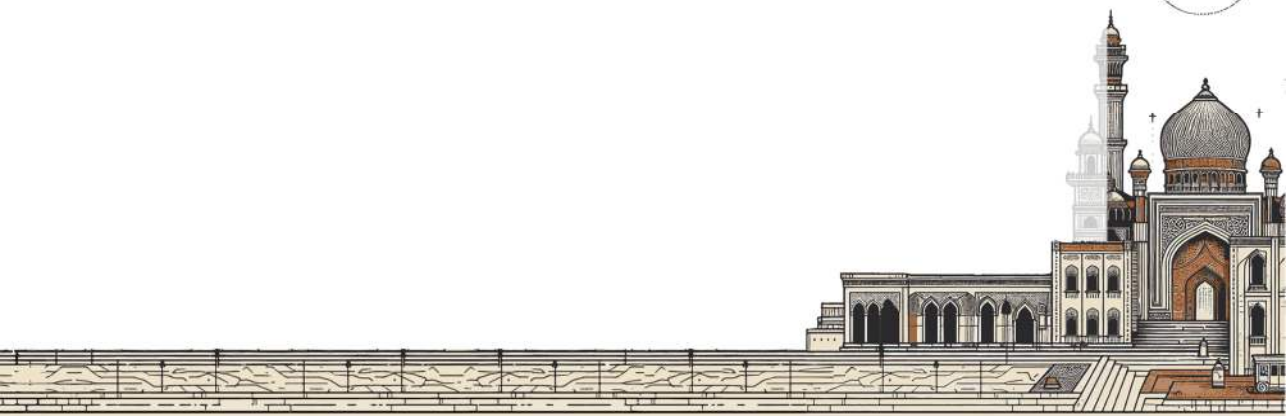




در الگوهای نظام سیاسی جدید، بیت المال به مثابه یکی از وجوه اقتصادی مهم در اقتصاد اسلامی، نیازمند به روز شدن در روش توزیع یا تخصیص برای اعضای جامعه است. اگر در نظام سیاسی قدیم، متولی بیت المال صرفاً رویه توزیعی را پیش می گرفت، در الگوهای جدید، می تواند بیت المال را در بخش های مختلف رفاه عمومی، نظیر: آموزش، بهداشت و درمان، فرهنگ و... صرف کند؛ به بیان دیگر، هر بخشی از حوزه عمومی که با هزینه ها و مخارج عمومی اداره می شود، می تواند منبعی برای تخصیص بیت المال باشد. از این منظر، با گسترش نهادها و سازمان های رفاهی و خدمات عمومی، دولت اسلامی از امکانات به مراتب مناسب تری برای تخصیص عادلانه بیت المال برخوردار است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





منابع

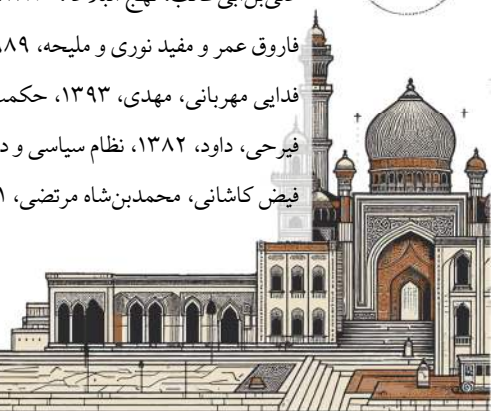
قرآن کریم.

- ابن ابی الحدید، ۱۳۶۳، شرح نهج البلاغه، جلد ۱۱، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی رحمته الله.
- ابن اثیر، مبارک بن ابی الکریم، ۱۳۶۴، النهاية فی غریب الحديث، تحقیق: طاهر احمد الزاوی و همکاران، چاپ چهارم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد، ۱۴۱۱ق، الفتوح، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الاضواء.
- ابن المماتی، اسعد بن مهذب، ۱۴۱۱ق، کتاب قوانین الدّواوین، جمعه و حققه: عزیز سوریل عطیة، قاهرة: مکتبه مدبولی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۴۰۴ق، الشفاء (الالهیات)، تصحیح: سعید زاید، قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، مشیرالدین محمد بن علی، ۱۳۷۶ق، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، بتصحیحه و شرحه و مقابلته علی عدة نسخ خطیة بطبعة محمد کاظم الکتبی، نجف: المکتبه والمطبعة الحیدریة.
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، ۱۳۶۰، تاریخ فخری در آداب ملک داری و دولت های اسلامی، ترجمه: محمد وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن عبد ربّه، شهاب الدین ابو عمرو احمد بن محمد، ۱۴۰۴ق، العقد الفرید، چاپ عبدالمجید ترحینی، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن میثم بحرانی، کمال الدین میثم بن علی، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، تهران: مطبعة خدماتی و چاپی.
- ابن هشام، ۱۹۳۶/۱۳۵۵م، السيرة النبوية، جلد ۳، قاهره: چاپ مصطفی سقاء ابراهیم ابیاری و عبدالحفیظ شلبی.
- بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۱۷ق، انساب الاشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: مطبعة دار الفکر.
- بهشتی، محمد حسین، ۱۳۸۳، ولایت، رهبری، روحانیت، تهران: نشر بقیه، در: نسخه دیجیتال بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیت الله دکتر بهشتی.
- بهوتی حنبلی، منصور بن یونس، ۱۴۱۸ق، کشف القناع عن متن الاقناع، محمد حسن شافعی، بیروت: بی نا.
- تقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، ۱۳۵۳، الغارات، تحقیق: جلال الدین حسینی ارموی، تهران: انجمن آثار ملی.
- جاحظ، عمرو بن بحر، ۱۹۳۳/۱۳۵۲م، رسائل الجاحظ، قاهره: بی نا.
- جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۶، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چاپ سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفریان، رسول، پاییز ۱۳۸۰، «منابع فکر و فقه سیاسی شیعه در دوره صفوی؛ مروری بر رساله های خراجیه»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۲۱.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، مفاتیح الحیاة، چاپ شصتم، قم: اسراء.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۰۳۳-۱۱۰۴، وسائل الشیعة، مشهد: سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.





- حرّ عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۲۵ق، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، تصحیح: علاءالدین اعلمی، مقدمه: شهاب‌الدین مرعشی، الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- حکیمی، محمدرضا، ۱۳۷۴، خورشید مغرب (غیب، انتظار، تکلیف)، چاپ نهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۲، جامعه‌سازی قرآنی، چاپ ششم، قم: دلیل ما.
- حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۷، آنجا که خورشید می‌وزد، چاپ اول، قم: دلیل ما.
- حکیمی، محمدرضا، ۱۳۹۱، حکومت اسلامی، از منظر قرآن و احادیث، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- الخزاعی، ابوعبید قاسم بن سالم، ۱۴۰۸ق، الأموال، تحقیق: محمدخلیل هراس، بیروت: مطبعة دار الفكر.
- خویی، ابوالقاسم، بی تا، مصباح الفقاهه، چاپ اول، قم: مکتبة الداوری.
- دانشنامه امام علی (علیه السلام)، ۱۳۸۰، زیر نظر: علی اکبر رشاد، تهران: سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۹، زیر نظر: غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- الدخیلی، خوله شاکر، ۱۳۷۹، بیت المال، پیدایش و تحولات آن، ترجمه: سید محمدصادق عارف، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- روحانی، محمدصادق، بی تا، فقه الصادق (علیه السلام)، قم: چاپخانه مهر استوار.
- زحیلی، وهبه، ۱۴۰۲ق، نظریة الضمان أو احکام المسؤولية المدنية والجناحية فی الفقه الاسلامی، دمشق: دار الفکر.
- سبحانی، سید جعفر، ۱۳۶۸، فروغ ابدیت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- سعدی شیرازی، مشرف‌الدین مصلح، ۱۳۸۴، کلیات، چاپ اول، تهران: فارابی.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۳۷۰، تاریخ الخلفاء، چاپ محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قم: الشریف الرضی.
- شکوری، ابوالفضل، ۱۳۷۷، فقه سیاسی در اسلام، قم: بوستان کتاب.
- شیخ طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۱ق، الخلاف، چاپ اول، قم: نشر الاسلامی.
- صالحی شامی، محمدبن یوسف، ۱۴۱۴ق، سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- طبری، محمدبن جریر، ۱۹۶۲-۱۹۶۷م، تاریخ الطبری: تاریخ الأمم والملوک، بیروت: چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم.
- طوسی، محمدبن حسن، بی تا، النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی، قم: قدس.
- علی بن ابی طالب، نهج البلاغه، ۱۳۸۵، ترجمه: محمدتقی جعفری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فاروق عمر و مفید نوری و ملیحه، ۱۹۸۹م، النظام الاسلامیة، بغداد: منشورات دار الحکم.
- فدایی مهربانی، مهدی، ۱۳۹۳، حکمت، معرفت و سیاست در ایران، تهران: نشر نی.
- فیرحی، داود، ۱۳۸۲، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: سمت.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، ۱۴۰۱ق، مفاتیح الشرائع، چاپ اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.





فیومی، احمد بن محمد، بی تا، المصباح المنیر، بی جا: المكتبة العلمية.

قاضی ابویوسف یعقوب بن ابراهیم انصاری، ۱۴۲۰ق، کتاب الخراج، تحقیق: طه عبدالرؤف سعد و سعد حسن محمد، قاهره: مكتبة الأزهرية للتراث.

قلقشندی، احمد بن علی، ۱۳۸۳/۱۹۶۳م، صبح الأعشی، جلد ۱، قاهره: بی تا.

کسانی، عبدالحی، ۱۳۸۴، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: سمت؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

الکرکی، علی بن الحسین، ۱۴۰۸ق، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: چاپخانه مهدیه.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۹، اصول کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

ماوردی، ابوالحسن، ۱۴۰۶ق، الأحکام السلطانیة والولايات الدینیة، قم: مکتب الأعلام الاسلامی.

محقق اردبیلی، احمد بن محمد، ۱۴۱۱ق، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، تحقیق: علی پناه اشتهاودی و دیگران، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

محمدی، ابوالحسن، ۱۳۷۳، قواعد فقه، چاپ اول، تهران: نشر بلد.

المسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، ۱۳۶۸ق، مروج الذهب ومعادن الجوهر، تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید، بیروت: دار المعرفة.

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵، جلد ۷، تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.

مصباح یزدی، محمد تقی، به سوی او، ۱۳۸۳، چاپ سوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، مجموعه آثار (حکمت‌ها و اندرزها، جلد ۲)، چاپ اول، قم: صدرا.

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، فلسفه تاریخ (مجموعه آثار شهید مطهری، جلد ۱۵)، تهران: صدرا.

منتظری مقدم، حامد، بهار و تابستان ۱۳۸۲، «شیوه‌های تقسیم بیت المال در صدر اسلام»، فصلنامه معرفت اقتصادی، سال اول، شماره دوم.

موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۷۸، صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی)، جلد ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

موسوی خمینی، روح الله، بیانات، ۱۳۵۷/۷/۲۸.

نیریزی شیرازی، قطب الدین محمد، ۱۳۷۱، رساله سیاسی در تحلیل سقوط دولت صفویه و راه حل بازگشت آن به قدرت، به اهتمام: رسول جعفریان، قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

هرندی، محمد جعفر، ۱۳۷۹، فقها و حکومت؛ پژوهشی در تاریخ فقه سیاسی شیعه، تهران: روزنه.

یعقوبی، احمد بن اسحاق، ۱۳۷۸، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.





References

The Holy Quran.

Al-Dakhili, Kh. Sh. (2000). *Bayt al-Mal, Its Origin and Developments* (S. M. S. Aref, Trans.). Mashhad: Islamic Institute.

Ali ibn Abi Talib. (2006). *Nahjol al-Balaqah* (M. Taqi Jafari, Trans.). Tehran: Islamic Culture Publications.

Al-Karaki, A. H. (2008). *Jame' al-Maqassid fi Sharh al-Qawa'id*. Qom: Mahdīyeh Publications.

Al-Khuza'i, A. U. Q. S. (1988). *Al-Mu'alam* (M. K. Haras, Ed.). Beirut: Dar al-Fekr Publications.

Al-Mas'udi, A. H. A. H. (1989). *Muruj al-Dhahab wa al-Aden al-Jawhar* (M. M. Abdul-Hamid, Ed.). Beirut: Dar al-Maraf.

Baladhari, A. Y. (1996). *Ansab al-Ashraf* (S. Zakkar & R. Zarkali, Eds.). Beirut: Dar al-Fikr Publications.

Beheshti, M. H. (2004). *Wilayat, Rahbari, Rukhnayat*. Tehran: Boq'ah Publications.

Behuti Hanbali, M. Y. (1997). *Kashshaf al-Qana'an Matn al-Qana* (M. H. Shafi'i, Ed.). Beirut: Bina.

Encyclopedia of Imam Ali (AS). (2001). Under the supervision of: A. A. Rashad. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute.

Faiz Kashani, M. Sh. M. (1981). *Mafatih al-Shara'e* (1st ed.). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library.

Farooq Omar, Mofid Nouri, & M. (1989). *Al-Nizam al-Islamiya*. Baghdad: Dar al-Hakam.

Fayumi, A. M. (n.d.). *Al-Misbah al-Munir*. n.p.: Al-Maktab al-Elmiyah.

Feirahi, D. (2003). *Political System and State in Islam*. Tehran: Samt.

Fidai Mehrbani, M. (2014). *Wisdom, Knowledge and Politics in Iran*. Tehran: Ney Publications.

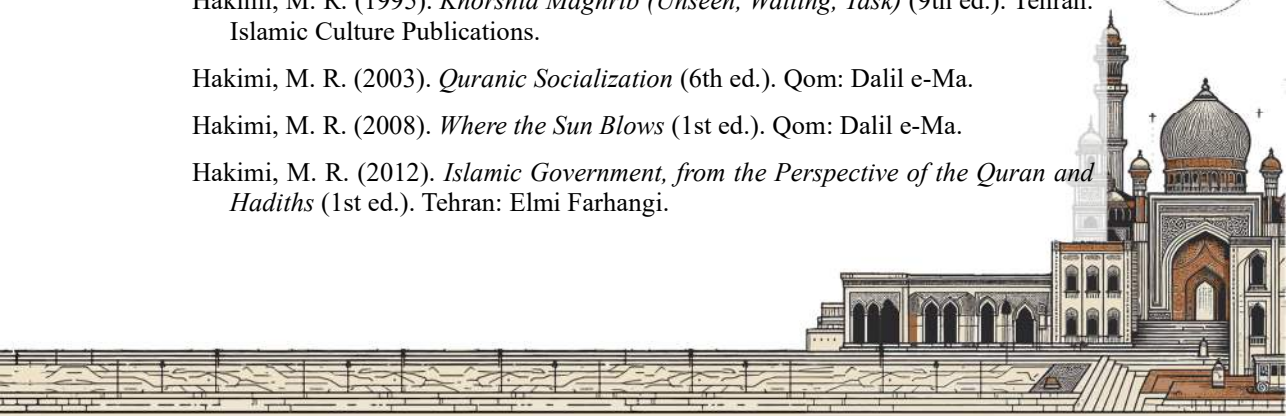
Haddad Adel, G. A. (2000). *Encyclopedia of the Islamic World*. Tehran: Islamic Encyclopedia Institute.

Hakimi, M. R. (1995). *Khorshid Maghrib (Unseen, Waiting, Task)* (9th ed.). Tehran: Islamic Culture Publications.

Hakimi, M. R. (2003). *Quranic Socialization* (6th ed.). Qom: Dalil e-Ma.

Hakimi, M. R. (2008). *Where the Sun Blows* (1st ed.). Qom: Dalil e-Ma.

Hakimi, M. R. (2012). *Islamic Government, from the Perspective of the Quran and Hadiths* (1st ed.). Tehran: Elmi Farhangi.



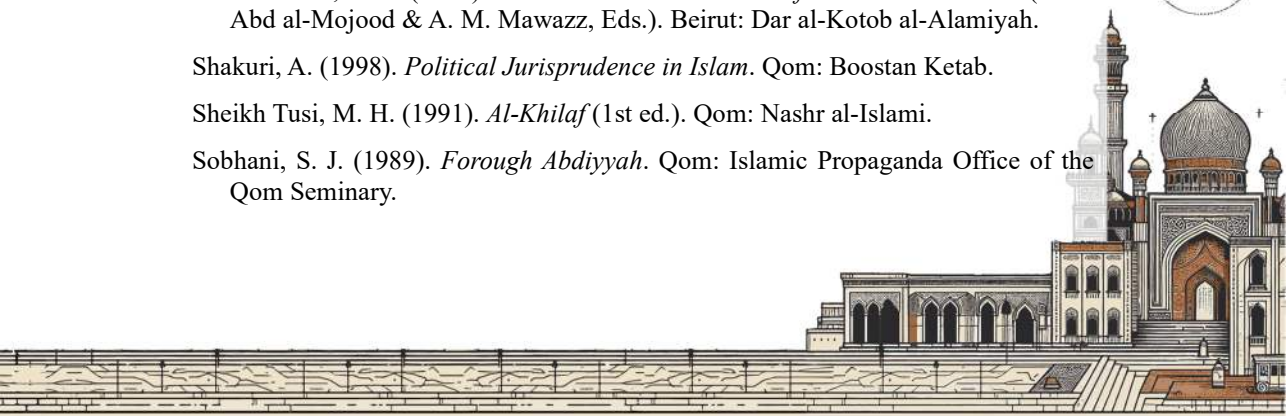


- Harandi, M. J. (1999). *Jurists and Government: A Study in the History of Shiite Political Jurisprudence*. Tehran: Rozaneh.
- Horr Ameli, M. H. (1693). *Wasa'il Al-Shi'ah*. Mashhad: Organization of Libraries, Museums and Documentation Center of Astan Qods Razavi.
- Horr Ameli, M. H. (2004). *Ibtif Al-Hidat Bin Nuss Wal Mi'jazat* (A. Al-A'lami, Ed., 1st ed.). Beirut: Al-A'lami Publications.
- Ibn Abd Rabbah, Sh. D. A. A. M. (1984). *Al-Aqd al-Farid* (A. M. Tarhiny, Ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Arabi.
- Ibn Abi al-Hadid. (1984). *Commentary on Nahjol Balaghah* (Vol. 1). Qom: Maktaba Ayatollah al-Ozma al-Mar'ashi al-Najfi.
- Ibn al-Mamati, A. M. (1991). *Book of Laws of Al-Dawawin* (A. S. Attiyah, Ed.). Cairo: Madbouli School.
- Ibn Atham Kufi, A. M. A. (1991). *Al-Fotuh* (A. Shiri, Ed.). Beirut: Dar al-Awdha.
- Ibn Athir, M. I. A. K. (1985). *Al-Nahayyah fi Gharib al-Hadith* (T. A. al-Zawi & colleagues, Ed., 4th ed.). Qom: Ismaili Institute.
- Ibn Hisham. (1936). *Al-Sirat al-Nabawiyyah* (Vol. 3). Cairo: Mustafa Sakka, Ibrahim Abyari, and Abdul Hafiz Shalabi Publications.
- Ibn Maytham Bahrani, K. D. M. A. (1984). *Sharh Nahj al-Balaghah*. Tehran: Library Publications.
- Ibn Shahr Ashub Mazandarani, M. D. M. A. (1997). *Manaqib Al e-Abi Taleb* (M. K. al-Kutbi, Ed.). Najaf: Al-Maqabah and al-Matababa al-Haydriya.
- Ibn Sina, H. A. (1984). *al-Shifa (Theology)* (S. Zayed, Ed.). Qom: Ayatollah al-Marashi Library.
- Ibn Taqatqi, M. A. T. (1981). *Tarikh Fakhri in the Customs of Property and Islamic States* (M. V. Golpaygani, Trans.). Tehran: Translation and Publishing Company.
- Jafari, M. T. (1997). *Translation and Interpretation of Nahjul al-Balaghah* (3rd ed.). Tehran: Islamic Culture Publications.
- Jafarian, R. (2001). "Sources of Shiite Political Thought and Jurisprudence in the Safavid Period; A Review of the Essays of the Kharajiyah," *Islamic State Quarterly*, No. 21.
- Jahiz, A. B. (1933). *Rasa'il al-Jahiz*. Cairo: n.p.
- Javadi Amoli, A. (2012). *Mafatih Al-Hayat* (60th ed.). Qom: Asra.
- Kattani, A. H. (2005). *The Administrative System of Muslims in the Early Islamic Era* (A. Zakawti Qaragazloo, Trans.). Tehran: Samt; Qom, Hawza and University Research Institute.
- Khoei, Abul-Q. (n.d.). *Misbah al-Fiqah* (1st ed.). Qom: Maktaba al-Dowri.





- Kulayni, M. Y. (2000). *The Principles of Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah.
- Mashroh Muja'rat Majles Shora Islami*. (2016). (Vol. 7). Tehran: Majles al-Shora Islami.
- Mawardi, A. H. (1986). *Al-Ahkam al-Sultaniya wa al-Wilayat al-Diniya*. Qom: Maktaba al-Alam al-Islami.
- Mesbah Yazdi, M. T. (2004). *Towards Him* (3rd ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Mohammadi, A. H. (1993). *Qawa'ed al-Feqh* (1st ed.). Tehran: Yalda Publications.
- Mohaqqiq Ardabili, A. M. (1991). *Majma' al-Fada' wa al-Burhan fi Sharh Irshad al-Azhan* (A. P. Eshtahardi & others, Eds., 1st ed.). Qom: Islamic Publishing Institute.
- Montazeri-Moghaddam, H. (2003). "Methods of Dividing the Treasury in Early Islam," *Quarterly Journal of Economic Knowledge*, 1(2).
- Motahari, M. (1994). *Collection of Works (Wisdom and Advice)* (Vols. 1 & 2, 1st ed.). Qom: Sadra.
- Motahari, M. (2008). *Philosophy of History* (Collection of Works of Shahid Motahari, Vol. 15). Tehran: Sadra.
- Mousavi Khomeini, R. (1978). *Bayanat*. n.p.
- Mousavi Khomeini, R. (1999). *Sahifeh Imam* (Collection of Works of Imam Khomeini, Vol. 4). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Neirizi Shirazi, Q. D. M. (1992). *Political Treatise Analyzing the Fall of the Safavid State and the Solution for Its Return to Power* (R. Jafarian, Ed.). Qom: Grand Ayatollah Marashi Najafi Public Library.
- Qadi Abu Yusuf, Y. I. A. (1999). *Ketab al-Kharaj* (T. A. Abd al-Ra'uf Sa'd & S. H. Muhammad, Eds.). Cairo: Al-Azhariyah Heritage Library.
- Qalqashandi, A. A. (1963/2004). *Subh al-Aashi* (Vol. 1). Cairo: n.p.
- Rouhani, M. S. (n.d.). *Fiqh al-Sadiq (AS)*. Qom: Mehr Ostowar Publications.
- Saadi Shirazi, M. D. M. (2005). *Kulyat* (1st ed.). Tehran: Farabi.
- Salehi Shami, M. Y. (1994). *Sabl al-Hadi and al-Rashad fi Sira Khair al-Abad* (A. A. Abd al-Mojood & A. M. Mawazz, Eds.). Beirut: Dar al-Kotob al-Alamiyah.
- Shakuri, A. (1998). *Political Jurisprudence in Islam*. Qom: Boostan Ketab.
- Sheikh Tusi, M. H. (1991). *Al-Khilaf* (1st ed.). Qom: Nashr al-Islami.
- Sobhani, S. J. (1989). *Forough Abdiyyah*. Qom: Islamic Propaganda Office of the Qom Seminary.





- Suyuti, A. R. A. B. (1991). *Tarikh al-Khalifa*. Qom: Sharif al-Radi, Muhammad Muhiy al-Din Abdul Hamid Publishing House.
- Tabari, M. J. (1967–1962). *Tarikh al-Tabari: Tarikh al-An'ul-e Walmuk*. Beirut: Muhammad Abulfazl Ibrahim Publications.
- Thaqafi Kufi, A. I. I. M. (1974). *Al-Gharat* (J. D. Hosseini Ermavi, Ed.). Tehran: National Art Association.
- Tusi, M. H. (n.d.). *Al-Nahiya Fi Magdar al-Fiqh and Fatawi*. Qom: Qods.
- Yaqoubi, A. I. (1999). *History of Yaqoubi* (M. E. Ayati, Trans.). Tehran: Elmi Farhangi.
- Zuhaili, W. (1982). *Theory of Assurance or Rules of Civil and Criminal Liability in Islamic Jurisprudence*. Damascus: Dar al-Fikr.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





پروژه، نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

